

## نکته‌ها (۱۱)

○ رضا مختاری



نکته ۴۷. در نکته‌های ۱۰ و ۳۲ که در شماره‌های ۳۵ و ۳۸ منتشر شد، گذشت که برای پرهیز از اشتباه و تصحیح و فهم درست هر متنی، مراجعه به آثار تأثیر گذار بر آن متن و سایر متون مشابه، بسیار مؤثر و بلکه گاهی لازم است. از این رو شناخت آثار تأثیر گذار و تأثیر پذیر بر یکدیگر و از یکدیگر - در فقه - بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بنده در مقاله «تأثر المحقق الكرکی بالشهید الأوّل و تأثیره علی الشهید الثاني» - که به کنگره بزرگداشت محقق کرکی در لبنان تقدیم شد - تأثیر پذیری محقق کرکی از شهید اوّل و تأثیر گذاری او بر شهید ثانی را اثبات کرده‌ام. در این نکته، از باب مقدمه به عنوان شاهد و نمونه، یک مورد از تأثیر پذیری شهید ثانی از محقق کرکی رحمهما الله را نقل و سپس به ذی المقدمه می‌پردازم:

جامع المقاصد، ج ١٠، ص ٧، الوصية:

الأوّل: الوصية تمليك عين أو منفعة بعد الموت. الوصية مأخوذة من وصى يصي وصية و أوصى يوصى، و وصى يوصي توصية. يقال: وصى إليه بكذا، إذا وصل به ... و سمي هذا التصرف وصية لما فيه من وصلة القرية الواقعة بعد الموت بالقربات المنجزة في الحياة. و قد عرفها المصنّف بأنها تمليك عين أو منفعة بعد الموت.

فقوله: «تمليك عين أو منفعة» بمنزلة الجنس، يعم الهبة والوقف و سائر التصرفات المملّكة. وفي ذكر العين و المنفعة تنبيه على متعلق الوصية و يندرج فيها العين الموجودة بالفعل و الموجودة بالقوة كالشجرة و الثمرة المتجدّدين و يندرج في المنفعة: المؤقتة و المؤبدّة و المطلقة.

وقوله: «بعد الموت» كالفصل يخرج به الهبة و غيرها من التصرفات المنجزة في الحياة. و نقص في عكسه بالوصية بالولاية؛ فإنها ليست تمليك أحد الأمرين و بالوصية بالعتق؛ فإنه فك، و التدبير؛ فإنه وصية عند كثيرين و وقف المسجد؛ فإنه فك و بالوصية بالمضاربة و المساقاة.

فإن قيل: إنهما مملكان لحصة من الربح و الثمرة، قلنا: قد لا يحصل الربح و لا الثمرة، فينتفى التمليك.

الروضة البهية، ج ٥، ص ١١، كتاب الوصايا:

الأوّل: الوصية مأخوذة من وصى يصي، أو أوصى يوصى، أو وصى يوصي و أصلها الوصل. و سمي هذا التصرف وصية لما فيه من وصلة التصرف في حال الحياة به بعد الوفاة،

أو وصلة القرية في تلك الحال بها في الحالة الأخرى .

و شرعاً: تمليك عين أو منفعة، أو تسليط على تصرف بعد الوفاة. فالتمليك بمنزلة الجنس يشمل سائر التصرفات المملّكة من البيع والوقف والهبة وفي ذكر العين والمنفعة تنبيه على متعلقي الوصية ويندرج في العين: الموجود منها بالفعل كالشجرة، والقوة كالشجرة المتجددة وفي المنفعة: المؤبّدة والمؤقتة والمطلقة ويدخل في التسليط على التصرف الوصاية إلى الغير بإفاد الوصية، والولاية على من للموصي عليه ولاية، ويخرج بعبدية الموت الهبة وغيرها من التصرفات المنجزة في الحياة ...

وينتقض في عكسه بالوصية بالعتق فإنّه فكّ ملك والتدبير؛ فإنّه وصية به عند الأكثر والوصية بإبراء المديون وبوقف المسجد؛ فإنّه فكّ ملك أيضاً، وبالوصية بالمضاربة والمساقاة، فإنّهما وإن أفادا ملا العامل الحصّة من الربح والثمرة على تقدير ظهورهما، إلا أنّ حقيقتهما ليست كذلك، وقد لا يحصل ربح ولا ثمرة فينتفي التمليك.

پیش از ورود به اصل بحث در این نکته، اشاره می‌کنم که این گونه اقتباس از کتب دیگران، در آثار پیشینیان رایج بوده و به هیچ وجه عیب شمرده نمی‌شده است و علاوه بر فقها، در آثار فیلسوفان هم - به خصوص صدرالمتألهین رحمه الله - به این دست اقتباسها برمی‌خوریم و سخن از چرایی و چند و چون آن، و عیب نبودنش در آن دوران نیازمند تدوین مقاله مبسوطی است.

یکی از مواردی که توجه به متون مشابه به ویژه متن تأثیر گذار در فهم متن تأثیر پذیر مؤثر است، عبارتی از مسالک و شرح لمعه شهید ثانی رحمه الله است که با عنایت به متون فقهی دیگر به ویژه جامع المقاصد محقق کرکی، مقصود شهید ثانی (ره) واضح و عبارت شرح لمعه و مسالک تصحیح می‌شود:

عبارت مورد اشاره از کتاب المساقاة مسالک در توضیح این سخن شرایع که

می فرماید: «إطلاق المساقاة يقتضي قيام العامل بما فيه زيادة النماء من ... إزالة الحشيش  
المضرّ بالأصول، و تهذيب الجريد، و السقي» چنین است:

الضابط أنه يجب على العامل مع الإطلاق كل عمل يتكرر كل سنة مما فيه صلاح الثمرة  
أو زيادتها، و منه إصلاح الأرض بالحرث و الحفر حيث يحتاج إليه، و ما يتوقف عليه  
من الآلات و العمل ... .

قوله: «و تهذيب الجريد».

المراد بتهذيبه قطع ما يحتاج إلى قطعه منه كالجزم اليابس، و مثله زيادة الكرم و قطع ما  
يحتاج إلى قطعه من اغصان الشجر المضرّ بقاؤها بالثمرة أو الاصل، سواء كان يابساً أم  
أخضر، و تعريش الكرم حيث تجري عادته به و نحو ذلك.<sup>١</sup>

سخن شهيد ثانی در شرح لمعه در توضیح این عبارات لمعه در کتاب المساقاة  
که می فرماید: : «ويلزم العامل مع الإطلاق كل عمل متكرر كل سنة»،<sup>٢</sup> نیز چنین  
است:

ويلزم العامل مع الإطلاق ... كل عمل يتكرر كل سنة ... مما فيه صلاح الثمرة أو  
زيادتها بالحرث، و الحفر - حيث يحتاج إليه، و ما يتوقف عليه من الآلات و العوامل -  
و تهذيب الجريد بقطع ما يحتاج إلى قطعه منه و مثله اغصان الشجر المضرّ بقاؤها إلى  
الثمرة أو الاصل، و منه زيادة الكرم.<sup>٣</sup>

شاهد بحث و قسمت مبهم، همین جمله اخیر یعنی: «زيادة الكرم» است که در  
مسالك و چاپهای متعدد شرح لمعه غلط ثبت شده و شروح لمعه آن را اشتباه معنی

١. مسالك الافهام، ج ٥، ص ٤٦.

٢. اللمعة الدمشقية، ص ١٥٣.

٣. الروضة البهية، ج ٤، ص ٣١٣، چاپ کلانتر، و ج ١، ص ٤٥٣، چاپ عبدالرحيم.

کرده اند، از باب نمونه کلام برخی شروح را نقل می‌کنم:

(الف) المباحث الفقهية في شرح الروضة البهية، ج ۱۴، ص ۳۴۳:

و از همین قبیل اعمال است زیاد کردن شاخه‌های درخت انگور، و آبیاری کردن و مقدمات مکرره آن نظیر تهیه سطل و ریسمان و ... .

قوله: «و منه زيادة الكرم» ضمیر در «منه» به «عمل متکرر» عود می‌کند.

(ب) خودآموز لمعه، ج ۱، ص ۶۰۴:

و از اعمال است زیاد کردن قلمه‌های مو، و سیراب کردن، و مقدمات متکرره سقی مثل دلو ... .

(ج) توضیح مشکلات شرح لمعه، ج ۱، ص ۵۵۳:

«و منه زيادة الكرم» یعنی از این عمل متکرر است زیادۀ کرم، (به فتح کاف و سکون را)، یعنی انگور، چون درخت انگور هم عمل مکرر لازم دارد که انگورش زیاد شود، مثلاً اوّل زمستان باید شاخه‌های زیادی او را قطع کنند از مواضعی که انگور از آن شاخه عمل می‌آید ... .

(د) الزبدة الفقهية، ج ۵، ص ۳۷۱: *م‌انسانی و مطالعات فقهی*

(و منه زيادة الكرم)<sup>۴</sup> أي من العمل الذي يتكرر كل سنة زيادة الكرم، و هو المسمی بتعريش الكرم<sup>۵</sup>، و هو قطع اغصانه المضرة بالثمرة.

(ه) النضيد في شرح روضة الشهيد، ج ۱۵، ص ۳۶۲:

و مثله: یعنی مثل جرید است شاخه‌های درختان دیگر که مانند آنها ضرر به میوه یا به

۴. چنانکه خواهد آمد، این عبارت یعنی «و منه زيادة الكرم» از متن لمعه نیست، بلکه از روضه یعنی شرح

لمعه است و در برخی از چاپها از جمله زبده به اشتباه جزء متن دانسته شده است.

۵. چنانکه خواهد آمد «تعريش» بدین معنی نیست.

اصل درخت می زند .

و منه زیادة الكرم : کرم یعنی درخت انگور و عبارت شارح دو احتمال در معنای آن داده می شود :

۱ . این که مقصود از «زیاده» بیشتر شدن باشد . بنابراین معنای عبارت این می شود که از کارهای تکراری هر ساله این است که کاری شود که درخت انگور بیشتر گردد ، یعنی انگورش بیشتر شود و آن کار ، عبارت از این است که در اوّل زمستان باید شاخه های زیادی آن بریده شود ... .

۲ . این که مقصود از «زیاده» شاخه های زاید باشد ؛ پس معنای عبارت این می شود که از کارهای تکراری هر ساله این است که قطع گردد زیادی های درخت انگور ... .

(و) الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية، ج ۹، ص ۳۰۷ :

«و منه زیادة الكرم» أي و من قبيل العمل المتكرر في كل سنة اللّازم علی عهدة العامل في المساقاة قطع الزائد من شجر الكرم و سقيه .

همه این شروح ، عبارت را اشتباه معنی کرده اند . البته اشتباه برخی مانند النضید و الزبده الفقهیه کمتر است ، که با توضیح آتی منشأ اشتباه ، و معنای صحیح عبارت ، آشکار می شود .

چنان که گذشت ، هم در مسالک و هم در چاپهای شرح لمعه عبارت «زیادة الكرم» اشتباه چاپ شده و مصححان این دو کتاب متوجه متن صحیح نشده اند و در نتیجه این اشتباهات پیش آمده است و اگر به کتاب تأثیرگذار بر مسالک و شرح لمعه ، یعنی جامع المقاصد ، یا متون مشابهه فقهی مانند قواعد علامه و به تبع آن شروح قواعد - مثل ایضاح الفوائد و مفتاح الکرامه - مراجعه می شد ، این اشتباهات رخ نمی داد .

۱۰۹  
تذکره ها (۱۱)

توضیح این که عبارت صحیح «زبارة الكرم» با بای موحدّه و راء است، نه «زيادة الكرم» با ياء و دال . و كلمه «زبارة» - همان گونه که محقق کرکی بیان کرده اند - به معنای قلم کردن و چیدن شاخه های زاید تاك است و با «زيادة» ارتباطی ندارد . برای روشن شدن مقصود اضافه می کنم - تا آنجا که بنده مطلعم - در این مساله علامه (اعلی الله مقامه) این تعبیر را در این مساله در دو کتاب قواعد و تحریر در بحث مساقات، اولین بار به کار برده و گفته است :

الرابع : العمل و يجب على العامل القيام بما شرط عليه منه دون غيره، فإن اطلقا عقد المساقاة اقتضى الإطلاق قيامه بما فيه صلاح الثمرة و زيادتها كالحرث تحت الشجر ... و إصلاح طرق السقي ... و إزالة الحشيش المضرّ بالأصول و تهذيب الجريد من الشوك و قطع اليباس من الأغصان و زبارة الكرم و قطع ما يحتاج إلى قطعه ... ٦ .

محقق کرکی در شرح این تعبیر فرموده است :

قوله : «و زبار [ة] الكرم» المراد به تليمه و قطع رؤوس الاغصان المضرّ بقاؤها بالثمرة او الاصل . و هذا [و] إن كان مندرجاً في قوله : «و قطع ما يحتاج إلى قطعه»، إلا أنه اراد التصريح بما له اسم يُعرف به . ٧

با این توضیح جامع المقاصد، همه ابهامات مساله و علت استعمال این تعبیر روشن می شود . اضافه می کنم که در کتاب قواعد که همراه ایضاح الفوائد، جامع

٦ . ایضاح الفوائد، ج ٢، ص ٢٩٣؛ جامع المقاصد، ج ٧، ص ٣٦٠، مفتاح الكرامه، ج ٧، ص ٣٥٨، نیز ر . ك : تحرير الاحكام الشرعيه، ج ١، ج ٢٥٩، ج سنگی . البته در تحریر و متن چاپ شده قواعد، همراه جامع المقاصد «زبار الكرم» بدون «ة» آمده است .  
٧ . جامع المقاصد، ج ٧، ص ٣٦٠ و ٣٦١ .

المقاصد و مفتاح الکرامه چاپ شده و نیز ضمن شرح عبارت در این دو کتاب، عبارت به طور صحیح ضبط شده است. هر چند مصححان ایضاً الفوائد در حاشیه کتاب، «زبارة الکرم» را به اشتباه چنین معنی کرده اند: «الزبارة بالضم: الخوصة حين تخرج من النواة، الخوصة ورق الشجر»<sup>۸</sup> که این معنی به کلی با مقصود علامه بیگانه است و مراد از زبارة الکرم - چنان که در سخن محقق کرکی گذشت - «تقلیم کرم» و «قلم الشجرة اي: ازال عنها الاغصان اليابسة لتقوى»<sup>۹</sup> است. خلاصه، تقلیم یعنی هرس و شاخه زنی<sup>۱۰</sup>. بنابراین توضیح الزبدة الفقهیه که آن را به «تعریش الکرم» معنی کرده است - چنان که گذشت - خطاست؛ زیرا اولاً: شهید در مسالک «تعریش الکرم» را جداگانه و بعد از «زبارة الکرم» با فاصله چند جمله ذکر و به آن عطف کرده است و ثانیاً: معنای تعریش، قطع شاخه های زاید نیست، بلکه به معنای داریست کشیدن درخت تاك است و «عرش الکرم اي رفع اغصانه على الخشب». <sup>۱۱</sup> بنابراین «زبارة الکرم» از ریشه «زبر» و مراد از آن قطع شاخه های اضافی تاك است. این عبارت در جواهر نیز تصحیح نشده و به خطا «زباد» با دال ضبط شده است: «تهذيب الجريد بقطع ما يحتاج إلى القطع منها، وكذا زياد الكرم و تهذيب الشجر».<sup>۱۲</sup>

ممکن است برخی گمان کنند، این خطای جزئی نیازی به این همه مقدمات و روضه

۸. ایضاح الفوائد، ج ۷، ص ۲۹۳.

۹. المعجم الوسيط، ص ۷۵۶، «قلم».

۱۰. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۵۵۸، «قلم».

۱۱. المعجم الوسيط، ص ۵۹۳، «عرش».

۱۲. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۶۶.

۱۱۱  
نکته هلا (۱۱)



خوانی و گرد و خاک کردن ندارد ولی از قدیم گفته اند «معماً چو حل گشت آسان شود». شاهد معنای ما این است که برخی از طلاب معنای همین عبارت شرح لمعه را از عده‌ای از فقهای معاصر (دامت برکاتهم) استفسار کردند، ولی بیشتر ایشان به آن جواب ندادند و شاید برخی، آن را سؤالی ساده و پیش پا افتاده دانستند، ولی دو تن از این بزرگواران توابع به خرج داده و پاسخی مرقوم فرمودند که هیچ یک مقرون به صواب نیست. متن سؤال مذکور و دو جواب آن چنین است:

محضر انور حضرت آیت الله ... دامت برکاته

احتراماً به عرض عالی می‌رساند که نظر به آن که در فهم عبارتی از شرح لمعه، بین مدرّسان و شروح و حواشی آن، اختلاف است، نظر شریف حضرت‌تعالی، فصل الخطاب و قانع الخلاف خواهد بود.

عبارت مورد اشاره در کتاب المساقاة (شرح لمعه، ج ۱، ص ۴۵۳، چاپ عبدالکریم) چنین است:

و یلزم العامل مع الاطلاق ... کلّ عمل متکرّر کلّ سنة ... مما فيه صلاح الثمرة أو زیادتها، كالحرث و الحفر حیث یحتاج إلیه و ما یتوقف علیه من الآلات و العوامل و تهذیب الجرید ... و مثله اغصان الشجر المضرّ بقاؤها إلی الثمرة أو الاصل، و منه زیادة الكرم.

قسمت مبهم، همین عبارت اخیر اعنی «و منه زیادة الكرم» است که امیدواریم با توضیح کافی و وافی شما، مشکل حل گردد. خاطر شریف را مستحضر می‌داریم که در جامع الشتات میرزای قمی (قدّس سرّه) از این گونه سؤالات زیاد دیده می‌شود و همین نکته سبب جرات ما بر تصریح شد.

ایام عزت مستدام باد.

بسم الله الرحمن الرحيم

این عبارت از مرحوم شهید ثانی - اعلی الله مقامه - است و در شرح لمعة ده جلدی به اشتباه داخل متن قرار داده شد و مرجع ضمیر در «منه»، «المضرب بقاؤها» است؛ یعنی زیادی درخت انگور، بقایش مضرب است و باید هر سال شاخه های خشکش زده شود و الله العالم.

۱۰ صفر المظفر ۱۴۲۴ هـ. ق ۲۴/۱/۸۲ هـ. ش

و جواب فقیه بزرگوار دیگری چنین است:

بسمه تعالی

یعنی از آنها که باید تهذیب شود که مضرب است بقای آن برای میوه یا درخت، زواید درخت انگور است و در نسخه مطبوع جواهر زیاد الکریم آمده. مراجعه شود. والسلام.

چنان که گذشت مرجع ضمیر در «منه زیارة الکریم» همان «عمل متکرر» است نه «المضرب بقاؤها» و نه «آنها که باید تهذیب شود = أغصان الشجر المضرب بقاؤها إلى الثمرة أو الأصل».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی